



پایه های کتابخانه ملی ایران
موزه کتابخانه و اسناد ملی

دیک هب دیج

فرهنگ

مذهبی

تاریخی

دیک هب دیج
ترجمه علی صباغی

خوده فرنگ: معنای سبک

دیک هلبدیچ

ترجمه علی صبانی

فهرست مطالب

۱	سخن ناشر
۳	سخن سردبیر
۷	تقدیر و تشکر
۹	مقدمه

فصل اول: از فرهنگ تا هژمونی

۱۳	فرهنگ
۱۷	بارت، اساطیر و نشانگان
۲۰	ایدئولوژی: یک رابطه زیسته
۲۵	هژمونی: تعادل در حال حرکت

بخش اول: چند مطالعه موردي

فصل دوم

۳	آوریل ۱۹۸۹، مراکش
۳۲	تعطیلات زیر آفتاب: آقای راتن موفق می شود
۳۴	یک فاکتور ترسناک، نهایی و نامطلوب برای افت بریتانیا
۳۷	ملالت در بابل

فصل سوم

۴۳	بازگشت به آفریقا
۴۷	راه حل فرقه راستافر
۴۹	رگی و فرقه راستافری
۵۵	مهاجرت: عبور دوباره

فصل چهارم

۶۳.....	هیپسترز، بیتز و تدی بویز.....
۷۱.....	سردی خانگی؛ سبک گروه مدها.....
۷۵.....	پوست سفید، نقاب سیاه.....
۸۰.....	راک پرزرق و برق و صدا؛ اردوگاه آلبینو و انحراف از مسیرها.....
۸۳.....	ریشه‌های سفیدشده؛ پانک و قومیت سفیدپوست.....

بخش دو: یک خوانش

فصل پنجم

۹۷.....	کارکرد خردۀ فرهنگ.....
۱۰۶.....	خاص بودگی؛ دو نوع تدی بویز.....
۱۱۱.....	منابع سبک.....

فصل ششم

۱۱۷.....	خرده‌فرهنگ؛ شکافی غیرطبیعی.....
۱۲۰.....	دو شکل از اختلاط.....
۱۲۲.....	فرم کالایی.....
۱۲۴.....	فرم ایدئولوژیک.....

فصل هفتم

۱۳۱.....	سبک به مثابه بیان آگاهانه.....
۱۳۴.....	سبک به مثابه سرهمیندی.....
۱۳۸.....	سبک در انقلاب؛ سبک انقلابی.....

فصل هشتم

۱۴۷.....	سبک به مثابه همسانی.....
۱۵۲.....	سبک به عنوان عمل دلالت.....

فصل نهم

۱۶۵.....	بسیار خوب، آن فرهنگ است، اما آیا هنر هم هست؟.....
۱۷۳.....	نتیجه‌گیری.....
۱۸۳.....	فهرست منابع.....

لیستن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است. این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این‌رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

و سیاست لسیزد بیز

کاملاً واضح است ما در دوران تحولات اجتماعی سریع السیر و افراطی زندگی می کنیم، اما به راحتی نمی توان این واقعیت را درک کرد که چنین تغییری ناگزیر ماهیت قواعدی را که بازتاب جامعه ماست و به شکل گیری آن کمک می کند، تحت تأثیر قرار می دهد.

با این حال این امر هیچ جا آشکارتر از حوزه کانونی مطالعات ادبی نیست. اینجا، میان تعداد زیادی از دانشجویان در تمام سطوح تحصیلی، حذف پیش فرض هایی که تکیه گاه اصول ادبی در شکل متعارف خود هستند، اصل ثابت شده ای می نماید. سبک ها و مقوله های موروثی از منظری دیگر تناسبی با واقعیت تجربه شده توسط نسل جدید ندارند. مجموعه کتاب های نیواکسنتس^۱ پاسخ مثبت به ابتکار عمل ناشی از چنین وضعیتی است. هر مجلد از این مجموعه به جای مقاومت در برابر فرایند تغییر به دنبال تشویق آن و به جای تقویت مرزهایی که در حال حاضر معرف ادبیات و مطالعه آکادمیک آن هستند، به دنبال گستردگردن آن مرزهاست.

برخی از حوزه های مهم مرتبط بلا فاصله خود را عرضه می کنند.

در نقاط مختلف جهان روش‌های جدید تجزیه و تحلیل که نتایج آن‌ها نشان می‌دهد چشم‌انداز انگلیسی-آمریکایی موروثی ما محدود است، توسعه یافته‌اند. مفاهیم جدیدی از فرم و سبک‌های ادبی ارائه شده است. مفاهیم جدیدی درباره ماهیت خود ادبیات و چگونگی بیانگری آن در دسترس است. دیدگاه‌های جدید، نقش ادبیات در ارتباط با شکوفایی جامعه، مجموعه کتاب‌های نیواکستنس قصد دارد مهم‌ترین این دیدگاه‌ها را شرح دهد و نقد کند.

در زمینه گسترده مطالعه ارتباطات انسانی، هرچه بیشتر بر ماهیت و عملکرد رسانه‌های الکترونیکی جدید تأکید شده است. مجموعه کتاب‌های نیواکستنس می‌کوشد چالش‌هایی را که این رسانه‌ها برای حالت سنتی پاسخ انتقادی ارائه می‌کنند، شناسایی و درباره‌شان بحث کند.

علاقة مشابه مجموعه کتاب‌های نیواکستنس به ارتباطات نشان می‌دهد که این مجموعه نیز باید در تحقیقات حوزه‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی گسترده‌تر که از آغاز به بررسی دقیق طبیعت هنر و رابطه‌اش با شیوه زندگی پرداخته‌اند، مشارکت کند. این امر درنهایت مستلزم توجه به برخی از فعالیت‌هایی است که دوره معاصر در جامعه ما از عرصه معتبر فرهنگ حذف شده‌اند.

درنهایت، همان‌طور که عنوان مجموعه کتاب‌های نیواکستنس (لهجه‌های جدید) نشان می‌دهد، یکی از اهداف این مجموعه در رویکردهای معاصر بررسی زبان است و دغدغه همیشگی این سری بررسی گستره‌ای است که در آن حوزه‌های مطالعات زبان‌شناسی می‌توانند زمینه‌های ادبی خاص را روشن کنند. با این حال کتاب‌هایی با این حوزه علاقه‌خاص، هیچ دانش فنی قبلی را از جانب خوانندگان خود پیش‌فرض نمی‌گیرند و هدف‌شان صرفاً تمرین زبان‌شناسی مناسب برای درک این موضوع دم‌دستی به جای ورود به مسائل نظری کلی خواهد بود.

هر جلد از این مجموعه کتاب‌ها تلاش می‌کند پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه مربوط را به صورت عینی و بی‌طرفانه ارائه کند و همچنین گزارشی از دیدگاه‌های خود نویسنده درباره موضوع را فراهم آورد. هر کدام یک کتاب‌شناسی ارزشمند فراهم می‌آورد که برای مطالعه بیشتر راهنمای خوبی خواهد بود و در حالی که هر یک از این کتاب‌ها در درجه اول بر مسائل مربوط به حوزه خاص خود متمرکز می‌شود، می‌توان امیدوار بود که یک نوع گفت‌وگو بین آن‌ها ایجاد شود: گفت‌وگویی که شاید لهجه‌های آن گفتمان متمایز‌آینده را نشان دهد.

ترنس هاوکس

تقدیر و تشکر

بسیاری از افراد به روش‌های مختلف در نوشتن این کتاب کمک کرده‌اند. من باید به طور خاص از جسیکا پیکارد و استوارت هال تشکر کنم که سخاوتمندانه وقت گذاشته‌اند و نسخه دست‌نویس این کتاب را خواندند و درباره آن اظهارنظر کردند. همچنین از کارکنان و دانشجویان دانشگاه بیرمنگام، مرکز مطالعات فرهنگی معاصر و از جف هرد در دانشکده پلی‌تکنیک ولورهمپتون به خاطر در جریان گذاشتن من در باب مباحث مربوط تشکر می‌کنم. همچنین مایلیم از خانم اریکا پیکارد برای اختصاص وقت و مهارت بسیار در آماده‌سازی این نسخه دست‌نویس تشکر کنم. درنهایت، از دافی، مایک، دان و بریدی برای زندگی کردن زیر چتر قانون و خارج از دسته‌بندی‌ها در سال‌های متوالی، تشکر می‌کنم.

۰ مقدمه

خرده‌فرهنگ و سبک

من موفق شدم حدود بیست عکس پیدا کنم و با خردمنان جوییده‌شده آن‌ها را پشت برگه مقوایی مقررات زندان که به دیوار آویزان بود، بچسبانم. برخی از عکس‌ها را با تکه سیم‌هایی برنجی که سرکارگر برایم می‌آورد و قرار است با آن مهره‌های شیشه‌ای رنگی را نخ کنم، روی دیوار نصب می‌کنم. با استفاده از همان مهره‌ها که زندانیان سلول بغلی با آن تسبیح دورگردن برای مراسم تدفین می‌سازند، من برای مجرم‌ترین‌ها قاب‌هایی شبیه ستاره ساخته‌ام. در شب، همین که پنجره را رو به خیابان باز می‌کنی، من پشت کاغذ مقررات را به سمت خودم می‌گیرم. لبخندها و پوزخندها، به یک اندازه بی‌امان، از تمام سوراخ‌ها درون من می‌آیند... آن‌ها کارهای کوچک مرا در سلول تماشا می‌کنند (ژنه، ۱۹۶۶ الف).

در صفحات آغازین ثیف ژورنال^۱، ژان ژنه توضیح می‌دهد چگونه پلیس اسپانیا در جریان یک حمله یک پماد واژلین را که در وسایل اوست، ضبط می‌کند. این «شیء کثیف و اسفبار» که اعلام هم‌جنس‌گرایی

به جهان است، برای ژنه نوعی تضمین می‌شود – نشانه‌ای از یک لطف نهانی که بهزودی مرا از تحیر نجات داد. از کشف این واژلین با خنده در دفتر ثبت کلانتری استقبال می‌شود و پلیس به رغم حس کردن بوی سیر، عرق و روغن اما... همچنان مصمم در یقین اخلاقی خود، ژنه را به باد کنایه‌های خصمانه و توهین آمیز می‌گیرد. نویسنده هم (هرچند در دنیاک) به خنده آن‌ها ملحق می‌شود، اما بعد، در سلول خود، «تصویر پماد واژلین هرگز مرا ترک نکرد».

«مطمئن بودم که این شیء ضعیف و ناچیز موضع خود را در برابر آن‌ها حفظ می‌کند. با حضور صرف خود قادر خواهد بود تمام پلیس‌ها را در جهان عذاب دهد؛ این شیء، تحقیر، نفرت و خشم سفید و قوی را بر خود آوار خواهد کرد» (ژنه، ۱۹۶۷).

من برای آغاز بحث این نوشته‌ها را از ژنه انتخاب کردم؛ زیرا او بیش از هر کس هم در زندگی، هم در هنر خود مفاهیم براندازنده سبک را کاویده است. من باید پیوسته به موضوع‌های اصلی ژنه بازگردم؛ وضعیت و معنای شورش، ایده سبک به عنوان شکلی از امتناع، تعالی دادن جرم در هنر (حتی اگر در مورد مطالعه حاضر، «جرائم» فقط شکستن قوانین اجتماعی باشند). ما نیز مانند ژنه به خرد فرهنگ علاقه‌مندیم به اشکال و آداب و رسوم بیانی گروه‌های فرو دست تدبیز، مدها و دوستداران راک، مردان موکوتاه و پانک که یکبار طرد و محکوم و دوباره مقدس می‌شوند و در زمان‌های مختلف گاه به عنوان تهدید علیه نظم عمومی و گاه به عنوان دلcockهای بی‌ضرر با آن‌ها رفتار می‌شود. ما نیز مانند ژنه شیفته پیش‌پا افتاده‌ترین اشیا هستیم مانند یک سنجاق‌قلی، کفش نوک‌تیز، یک موتورسیکلت که با این‌همه، مانند پماد واژلین بعد نمادین به خود گرفه‌اند و به داغ‌ننگ و نشانه یک تبعید خودخواسته بدل می‌شوند. درنهایت، ما باید مانند ژنه به دنبال بازسازی دیالکتیک عمل و عکس‌العملی باشیم که این اشیا را معنی دار کرده است. چون

همان طور که تعارض تمایلات جنسی «غیر طبیعی» ژنه و خشم «مشروع» پلیس را می‌توان در یک شیء واحد خلاصه کرد، می‌شود انعکاس تنش گروههای فرادست و فرودست را در سطح خرد فرهنگ یافت؛ یعنی در سبکهای ساخته شده از اشیای پیش‌پافتاذه که معنای دوگانه دارند. از یک طرف، آن‌ها «آدم‌های متعارف» را پیش از حضور یک چیز شوم به جهان هشدار می‌دهند حضور تفاوت و برخود سوء ظن مبهم، خنده مضطرب و «خشم سفید و گنگ» را هموار می‌کنند. از سوی دیگر، برای کسانی که آن‌ها را به تمثال بدل می‌کنند، کسانی که آنان را به عنوان کلمات یا به عنوان نفرین استفاده می‌کنند، این اشیا نشانه‌هایی از هویت ممنوع و منابع ارزش می‌شوند. ژنه که تحقیر خود را توسط پلیس به یاد می‌آورد، تسلی خود را در واژلین می‌یابد. واژلین نماد «پیروزی» او می‌شود؛ «من ترجیح می‌دادم خون بربیزم تا آن شیء مسخره را انکار کنم» (ژنه، ۱۹۶۷). بنابراین، معنای خرد فرهنگ همیشه محل اختلاف است و سبک، حوزه‌ای است که در آن تعاریف متضاد با نیروی چشم‌گیر باهم تصادم دارند. درنتیجه، بخش اعظم این کتاب صرف توصیف روندی می‌شود که در آن اشیا باید به عنوان «سبک» در خرد فرهنگ مکرراً احراز معنی کنند؛ مثل رمان‌های ژنه، این روند با جرم علیه نظم طبیعی آغاز می‌شود، هرچند در این مورد ممکن است انحراف واقعاً کوچک به نظر برسد مثلاً مدل موی بالازده شده، تملک یک موتور اسکوتر یا یک نوار ضبط یا نوع خاصی از کتوشلوار اما نهایتاً به ایجاد سبک از طریق ژست تمرد یا تحقیر و لبخند، یا استهزا می‌انجامد. این، نوعی امتناع است. من مایلم فکر کنم این امتناع ارزشش را دارد و این که این ژست‌ها معنی دار هستند، این که لبخندها و پوزخندها ارزش براندازنده دارند، حتی اگر در تحلیل نهایی، آن‌ها در حد عکس گانگسترها مدل در سلول ژنه فقط طرف تیره‌تر قوانین و مقررات و نقاشی‌های دیواری‌های زندان باشند.

با این حال، نقاشی‌های دیواری، خوانش جذابی ارائه می‌کنند. آن‌ها

توجه را جلب می کنند؛ هم بیان ناتوانی، هم بیان نوعی قدرت‌اند؛ قدرت تخریب. نورمن میلر دیوارنوشته را حضور شما بر حضور آن‌ها می‌نامد... که نام مستعار خود را بر صحنه آن‌ها می‌آویزید (میلر، ۱۹۷۴). در این کتاب من تلاش می‌کنم مفهوم دیوارنوشته را کشف کنم و معانی نهفته در سبک‌های مختلف جوانان پس از جنگ را بیرون بکشم، اما قبل از این که به خردۀ فرهنگ‌های فردی بپردازیم، ابتدا باید اصطلاحات کلی را تعریف کنیم. واژه «خردۀ فرهنگ» آمیخته با رمز و راز است. این واژه حاکی از رازآلودگی، سوگندهای ماسونی و یک دنیای زیرزمینی است. این واژه همچنین مفهوم بزرگتر و به همان اندازه پیچیده «فرهنگ» را تداعی می‌کند؛ بنابراین گفتار خود را باید با مفهوم فرهنگ آغاز کنیم.

فرهنگ

در فرهنگ لغت آکسفورد معانی مختلفی برای کلمه انگلیسی culture (فرهنگ) آمده است: کشت و پرورش، نگهداری کردن، پرستیدن در نوشته‌های مسیحیان، عمل کشت کردن خاک، کشاورزی و کشت و زرع، باغبانی و فلاحت، کشت و پرورش حیوانات خاصی همچون ماهی، تولید مصنوعی اندام‌های میکروسکوپی؛ ارگانیسم‌های تولیدشده به این روش، رشد و توسعه (ذهن، استعداد و رفتار). تهذیب و پیشرفت به واسطه آموزش و پرورش، آموزش یافتن و مهذب شدن، جنبه عقلانی تمدن، پیگیری یا توجه ویژه یا مطالعه هر موضوع یا بحث.

همان‌طور که تعریف بالا نیز نشان می‌دهد، فرهنگ مشخصاً تعریفی گنگ و مبهم دارد. این کلمه معانی مختلف و اغلب متصادی در نتیجه استعمال آن در سالیان متعددی به خود گرفته است. حتی تعریف علمی آن نیز دو معنی دارد؛ معنی اول به فرایندی اطلاق می‌شود

که در آن اندام‌های میکروسکوپی رشد می‌کنند، معنی دوم آن نیز محصول تولیدشده از این روش است. اگر بخواهیم تخصصی‌تر به مبحث نگاه کنیم، از اواخر قرن هجدهم این کلمه توسط روش‌نگران و ادبیان انگلیسی برای متمرکز کردن توجه انتقادی بر طیف وسیعی از مباحث جنجال‌برانگیز استفاده شده است. «کیفیت زندگی»، تأثیر ماشینی شدن، تقسیم‌کار و پیدایش جامعهٔ توده‌وار؛ در طیف وسیع تر که ویلیامز آن را مسئلهٔ «جامعهٔ و فرهنگ» نامیده است، دربارهٔ همگی بحث شده است (ویلیامز، ۱۹۶۱). در مسیر این سنت اختلاف عقیده و انتقاد بود که رؤیای یک «جامعهٔ ارگانیک» – به عنوان یک کل معنی‌دار و یکپارچه – زنده نگاه داشته شد. این رؤیا دو مسیر اساسی داشت: یکی ناظر بر گذشته و آرمان فئودالی دربارهٔ جامعه‌ای با نظام سلسله‌مراتبی بود. در این دیدگاه فرهنگ کارکردی تقریباً مقدس داشت که «کمال هماهنگ» آن (آرنولد، ۱۸۶۸) در برابر برهوت زندگی دوران معاصر قرار می‌گرفت.

مسیر دیگر که کمتر تأیید می‌شود، نگاهی به آینده داشت: به آرمان شهری سوسیالیستی که در آن مرزی بین کار و فراغت نیست. دو تعریف و مفهوم اساسی از این سنت پدیدار شد، اگرچه لزوماً این مفاهیم با دو مسیر ذکر شده در بالا همسو نبودند. مفهوم اول – که به احتمال زیاد خواننده بیشتر با آن آشناست – اساساً سنتی و محافظه‌کارانه بود. این مفهوم، فرهنگ را در قالب معیار تعالیٰ زیبایی‌شناختی معرفی می‌کرد: «بهترین چیز فکرشده و گفته شده در دنیا» (همان) و این مفهوم در تحسین فرم زیبایی‌شناختی آنچه «کلاسیک» بود (اپرا، باله، درام، ادبیات و هنر) ریشه داشت. دومین مفهوم که به نگاه ویلیامز تا هردر در قرن هجدهم بر می‌گشت (ویلیامز، ۱۹۷۶) ریشه در علم انسان‌شناسی داشت. اینجا واژهٔ فرهنگ به معنای ذیل بود:

... روشی از زندگی که نه تنها میین معانی و ارزش‌های خاصی در